

# پلیس در ایران باستان

محمد صادق رئیسی<sup>۱</sup>

## چکیده

نگرش به تفکر پیشگیرانه در رابطه با جرم در ایران باستان سویه های متفاوت تری را نسبت به همین نگرش در دوره های پیشرفته تر نمایان می سازد. بدین معنا که برای بررسی عملکرد پیشگیرانه جرم، به طور کلی باید هر گونه تفکر مدرن نسبت به این مسأله را به یک سو نهاد و تنها از سویه گذشته گرایانه با عملکردهای مرتبط با همان دوره به چگونگی شکل یابی نظام پلیسی نگریست. در مقاله حاضر که به دو بخش تقسیم شده است؛ به شکل یابی نظام پلیس از دوره ماد تا دوره ساسانیان، مورد بررسی قرار می گیرد.

**واژگان کلیدی:** پلیس، ایران باستان، پیشگیری از جرم، کشف جرم، دستگیری مجرمان.

## درآمد

یافتن نشانه های دقیق و علمی در زمینه سازمان نظامی و پلیسی در تاریخ، به ویژه از دوره های آغازین آن، از دو جنبه باید مورد بررسی قرار گیرد. جنبه نخست منوط به برخی یافته های کاوشگران و باستان شناسان می باشد و جنبه دیگر مربوط به منابع تاریخی است. از این رو در مطالعه حاضر، تلاش بر آن بوده تا از نقطه ای به مستندات تاریخی به شکلی کامل تر و از متونی دقیق تر نگریسته شود. بدین ترتیب، ترجیحاً از نخستین هزاره پیش از میلاد به بررسی مسائل فوق پرداخته شده است.

از یافته ها و کشفیات باستان شناسی در ایران باستان می توان پی برد که همواره افرادی تحت عنوان نظامیان و ارتشتاران وجود داشتند که دارای وظایف چندی بودند. تصاویر اشیاء و ظروف به دست آمده، جنگ جویانی را نشان می دهد که با سلاح ها و لباس هایی که با فرم های متفاوت وجود دارند. از این نشانه ها می توان دریافت که تشکیل نیروی سواره نظام برای مقابله با مهاجمان اولیه را باید اولین شکل سازمان یافته نیروی نظامی و پلیسی در ایران به شمار آورد، تشکیلات سازمانی پلیس در این دوره بسیار پیشرفته به نظر می آید، زیرا آنان صاحب پایگاهی معین و مشخص بودند و هم چنین دارای یک نوع فرم پوششی منحصر به فرد که آنان را از دیگر افراد طبقات جامعه متمایز می ساخت.

گیرشمن معتقد است که در ظروف سیلک، تصاویری از مردان که پیاده می جنگند و دارای کلاهخود با جیغه و پر و نیم تنه چسبان اند نقش شده است و روی یک مهر استوانه ای صورت جنگاوری بر پشت اسب منقوش است که با گولی می جنگد، گول نیز به همین طرز ملبس است و کفش های نوک برگشته پوشیده است. (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۷۷). وی هم چنین در ارتباط با تمدن جنگ جویان بر این عقیده است که آنان صاحب مقر با شکوهی در قلعه تپه ای مصنوعی بودند که توسط یکی از امرا بنا شده بود و آن به وسیله دیواری محاط و دارای برج ها بود. (همان، ص ۷۳). در رابطه با سلاح های نظامیان بر پایه همان تصاویر می توان شمشیر، خنجر، سپریکان ار مشاهده کرد. باکوش در قبرهای جنگ جویان مجموعه ای از ساز و برگ های مفرغی و آهنی شامل لگام و اشیاء متعدد برای آراستن سر و سینه اسب بوده است. (همان، ص ۷۳)

با توجه به مطالب فوق، اولین نشانه های شکل یابی قانون ونظامهای حقوقی در جامعه را باید در پدید آمدن رسوم طبقاتی دانست. رسم طبقاتی پس از مهاجرت آریاییان به ایران معمول شد. چهار طبقه اولیه نزد مردم ایران عبارت بودند از: ۱. موبدان و هیریدان و آموزگاران که به « اتروان » معروف بودند. ۲. جنگجویان و سپهبدان و دلاوران که به « رته ئشتر یا ارتشتاران » شهرت داشتند. ۳. کشاورزان یا « واستریا » و سرانجام، ۴. پیشه وران و کارگران که به « هوئیتی یا هوتخشان » شناخته می شدند. شکل یابی این طبقات بیانگر این امر است که هر گروه، قانون خاص خود را داشته و تحت قوانین ویژه ای اداره می شده است، به طوری که هر طبقه مامور انجام وظیفه یی خاص بوده است تا افراد با توجه به تعلق خود در هر طبقه به اجرای وظیفه خود با توجه به نظام قانونی آن طبقه بپردازند.

#### الف. پلیس در دوره مادها

دولت ماد تحت تابعیت دولت آشور قرار داشت و در تماس و برخورد با آنان بود که تحت تاثیر مستقیم آداب و رسوم و تاسیسات حقوقی آنان قرار گرفت. آشنایی با نظام حکومتی آشور، راه تازه ای برای برقراری حکومت پایدار در ایران پدید آورد. دیوکس، پسر فرورتیش، از آن جا که شخصی مردم دوست و عدالت خواه بود و در کارها و امور مردم به رسیدگی می پرداخت، شخصی معتمد و لایق شناخته شد، به طوری که تمام اهالی ماد مشکلات و دعوای خود را به نزد او می بردند تا حل و فصل نماید و از این جا رفته رفته به عنوان شاه ماد برگزیده شد. در واقع دیوکس اولین پادشاه ایرانی است که به شکل انتخاب مردمی و جمهوری به سلطنت رسید. با شکل یابی دولت ماد، طبقات گوناگون نیز شکل پیدا کردند. هسته اصلی طبقات در دوره ماد بر پایه همان رسم طبقاتی پس از ورود آریاییان است. تاریخ ماد از سه طبقه در این دوره سخن می گوید: نخست « آثروان » یا کاهنان و خادمان آتش؛ دوم « رسیشتو » یا ارتشتاران و سوم « واستری » یا دامداران و کشاورزان.

## ۱. ساختار پلیس در دوره مادها

دیوکس با روی کار آمدن بر مسند قدرت و در پی بسط تفکرات عدالت خواهانه خود، تلاش کرد تا نظم را در جامعه برقرار سازد. ایجاد نظم و امنیت در گرو ایجاد سازمانی نظامی قدرتمند بود که وی به تبعیت از آشوریان برای نخستین بار، ارتش منظم را ایجاد کرد. وی اقوام ساکن آسیا را به قسمت های نظامی تقسیم کرد و نخستین بار مقررات جنگی برقرار کرد که هر نیزه دار و کمان دار و سواره از هم جدا باشند. (دیاکونوف، ۱۳۸۰، ص ۲۷۲) اینان به واحدهای سوق الجیشی و تاکتیکی تقسیم می شدند و این تقسیمات بر روابط قبیله ای افراد نبوده بلکه از احتیاجات نظامی دولت ریشه می گرفته و وی تقسیم لشکریان را از روی نوع سلاح منظم ساخت. (همان، ص ۲۷۳)

با توجه به مطالب فوق می توان یادآور شد که در این دوره سه دسته نظامیان وجود دارند که هر یک با ویژگی های خاص خود با نوع سلاح، پوشش و وظایف از هم متمایز می شوند. گیرشمن در این رابطه آورده است که نظامی را که دیوکس در قشون خود پدید آورده، آنان را به سه دسته سواره نظام، کمان داران و پیاده نظام تقسیم کرده است. (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸)

از عملکرد دیگر دیوکس در طول حکومت اصلاح ساختار پلیس بود، وی در تشکیلات سپاه تغییراتی ایجاد کرد و آن ها را به دسته های منظم تقسیم نمود. این تقسیم بندی بر اساس نوع وظیفه هر طبقه بود که هر یک از این دسته ها با نوع سلاح های خود شناخته می شدند. (بیانی، ۱۳۸۱، ص ۵۶). این دو گروه سواره و پیاده نظام، نقش بسیار مهمی را ایفا می کردند. در دسته اول اسب نقش بسیار مهمی بر عهده داشت که تا پیش از آن زمان کارایی آن چنان موثری نداشت. تقسیم و دسته بندی دیوکس علاوه بر نظم و امنیت داخلی، دو هدف بزرگ دیگری نیز در پی داشت، نخست آن که به توسعه و کشور گشایی از سوی کمک می کرد و دیگر آن که مانع از تهاجمات بیگانگان به داخل مرزهای کشور می شد. (همان، ص ۶۶)

## ۲. گونه های پلیس در دوره مادها

حیطه وظایف و اختیارات پلیس در این دوره با توجه به ایجاد حکومت مقتدر و مستقل و در عین حال عدالت خواه، بسیار حائز اهمیت است. توجه نسبت به اعمال شرايطی برای پیشگیری از وقوع هر گونه جرم، در آغاز بیان گر این مطلب است که نگرش پیشگیرانه در رابطه با جرم در درجه اهمیت بیشتری قرار داشته است.

### ۲-۱. پلیس پیشگیری

در دوره ماد، دیوکس به سراسر مناطق تحت تابعیت خود مامورانی را گسیل می کرد تا در کارها نظارت داشته باشند. این افراد به عنوان « ماموران اطلاعاتی » شناخته می شدند. این ماموران وظیفه داشتند تا از وقوع ظلم و بی عدالتی جلوگیری کنند و محدوده قلمرو خود را صاحب نظم و انتظام شایسته یی سازند. از این رو، ابتدا به دستور پادشاه سه گناه<sup>۱</sup> نابخشودنی مقرر شد و به نزد فرمانروای مناطق گوناگون ارسال داشتند. این سه گناه عبارت بود از: فاش کردن راز، اهانت به اهوارمзда و نافرمانی از دستورات پادشاه. (بیانی، ۱۳۸۱، ص ۵۳)

### ۲-۲. پلیس قضایی

از وظایف دیگر پلیس ابتدا تحقیقات در رابطه با وقوع جرم بوده و توسط همان مامورانی که پادشاه بر می گزید، صورت می گرفت. این افراد به صورت پنهانی به فعالیت می پرداختند که به عنوان جاسوسان و خبرچینان پادشاه به حساب می آمدند. این افراد وسایل آگاهی و موجبات دادخواهی، دادرسی و کیفر را برای پادشاه فراهم می آوردند. (رضایی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۰) از سوی دیگر تعقیب مجرمان از دیگر وظایف پلیس بوده و شرايطی به وجود می آوردند تا از وقوع ارتکاب جرم جلوگیری شود. از این بزه کاری این فرصت را نمی یافت تا از کیفر رهایی یابد. (امین، ۱۳۸۱، ص ۱۷)

---

۱. در ایران باستان از جرم به عنوان گناه یاد شده است که در زبان پهلوی به صورت کلمه (vināh) آمده است.

شرایطی که از سوی پادشاه برای پیشگیری از وقوع ارتکاب جرم تعیین می شد، بیش تر به مسائلی توجه داشت که پیامدهای اجتماعی زیادی به همراه داشتند؛ مسائلی که در صورت وقوع، بار روانی منفی در جامعه پدید می آورد و جرایم سنگین تر دیگری متعاقب آن اتفاق می افتاد، به همین خاطر وظیفه ماموران به جهت صداقت، و درستکاری و اجرای صحیح عدالت، این بود تا افراد جامعه را از دروغ و نادرستی نهی سازند.

### ب. پلیس در دوره هخامنشیان

هخامنشیان در طول سال های (۵۵۹-۳۲۱ ق.م) به سلطنت رسیدند. امپراطوری بزرگ هخامنشی به منظور اجرای عدالت شکل یافته بود، به طوری که برای قضات امتیازات و مزایای بسیاری در نظر گرفته شد؛ به طوری که تمامی سنگ نبشته های داریوش از « دوستی و نهی از دروغ » سخن می گویند و نیز کتیبه بیتسون اختصاصاً راجع به اغتشاشات داخلی ایران است. از این منظر می توان به نقش عدالت و برقراری آن در جامعه در دوره هخامنشیان پی برد. پر واضح است که لازمه برقراری عدالت و نظم و امنیت، وجود پایه های مستحکم نظام پلیسی قدرتمند در جامعه می باشد.

اهمیت برقراری تشکیلات نظامی در دوره هخامنشی را می توان در لوحه که به دستور داریوش در کنار جاده کرمانشاه به همدان واقع می شود، مشاهده کرد. در این لوحه پادشاه تحت حمایت مرحمت آمیز خدای بزرگ اهورامزدا دیده می شود. در پی پادشاه، دو نگهبان مسلح هستند و داریوش با پای خود بردیای دروغین را که بر زمین افتاده است می کوبد. (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱)

### ۱. ساختار پلیس در دوره هخامنشیان

بی تردید تشکیل امپراطوری عظیم هخامنشی می باید بر پایه وجود نظام پلیسی قدرتمند استوار بوده باشد. امپراطوری که همواره در پی تامین عدالت و احقاق حق بود؛ از این رو برای اجرای دقیق عدالت همواره نیاز به یک ساختار پلیسی و نظامی دقیق احساس می شد. از سویی نمی توان تصور کرد جامعه ای با این حد توجه به مسائل گوناگون، چه در مسائل خارجی از جمله کشورگشایی و توسعه یابی و چه در مسائل

داخلی، فاقد نظام پلیسی قدرتمند بوده باشد. داریوش اساس کار خود را بر پایه سه اصل: « قانون مندی، عدالت و امنیت» قرارداد و برای اجرای آن ها یک سازمان اداری متمرکز ایجاد کرد و کوشید تا با نظارت مستقیم بر کارها، به خصوص بر کار ساتراپ ها، امنیت و عدالت در سراسر قلمرو را تامین کند. (بیانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶) بدین ترتیب، می توان دریافت وی پیش از همه می باید اوضاع نظامی را سر و سامان می داد و نیرویی قدرتمند فراهم می آورد تا بر تمام امور پادشاهی تسلط داشته باشد.

## ۲. گونه های پلیس در دوره های هخامنشیان

در کتیبه بیستون برخی از اوضاع نظامی در دوره هخامنشی ذکر شده است. داریوش در این کتیبه همواره از سردارانی نام می برد که در اوضاع داخلی و یا اغتشاشات خارجی با وی همراه بودند. داریوش پیوسته افرادی را بر می گزید تا به نمایندگی از او در شهرها برای تامین منظم و امنیت مشغول به کار باشند. « خش ثرپاوا» به معنای « شهربان» می باشد که می توان آن را اولین نیروی پلیسی در ایران باستان دانست. وظیفه این افراد جلوگیری از هر گونه بی نظمی، اختلال و درگیری در داخل شهرها بود. در کنار « خش ثرپاوا » باید از افراد دیگری به نام « هزارپت » نام برد که به عنوان فرمانده گارد سلطنتی شناخته می شدند.

وظیفه این افراد حفاظت از جان شاه و نگهبانی از قصر سلطنتی بود «هواریت» وظیفه داشت هر روز گزارشی به شخص شاه برساند و تقریباً اداره کارهای امپراطوری بر عهده وی بود و از دیگر وظایف اش این بود که هیچ گاه از شاه جدا نمی شد. (علی آبادی، ۱۳۴۰، ص ۳۱)

در کتیبه های بیستون، داریوش از سرداران خود نام می برد که وظایف آن ها بیش تر نظامی بود و همواره فرماندهی نیروهای جنگی را بر عهده داشتند و در جنگ با شورشیان به پا می خواستند. این سرداران به قرار زیر می باشند: ۱. ویدرن، سردار داریوش در جنگ با «فرورتیش»؛ ۲. دادرشیش، سردار داریوش در جنگ با شورشیان ارمنستان؛ ۳. وومیس، فرمانده نظامیان در جنگ با ارمنستان؛ ۴. تخمس پاد، سردار در جنگ با شورشیان سگارتی؛ ۵. ارت وردی ی، سردار داریوش در جنگ با شورشیان

پارس؛ ۶. ویوان، شهربان در «رخج»؛ ۷. ویدفرنا، شهربان در پارس و ماد؛ ۸. گئوبرور، شهربان در خوزستان. (شارپ، ۱۳۸۱، ص ۴۸)

در کنار سرداران نامبرده، باید از «ویشتاسب» - پدرشاه - نام برد که در واقع می توان وی را به عنوان اولین شهربان ایلات پارت و گرگان دانست؛ وی با شورشیان، و یاغیان جنگید (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳)، اما بویس از سردار دیگری به نام «اوتانس» نام می برد که فرمانده نیروی مسلح ایران بود که جزیره یونانی «ساموس» را تصرف کرد. (بویس، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱)

دکتر علی آبادی از نظر نظامی دولت هخامنشی را به دو نیروی زمینی و نیروی دریایی تقسیم می کند. در رابطه با نیروی زمینی با توجه به شرایط موجود به دو قسمت تقسیم می کند: قشون دائمی و قشون غیر دائمی. قشون دائمی که خود به دو دسته دیگر تقسیم می شوند: ۱. قشون دائمی حکومت مرکزی؛ ۲. ساخلوها. دسته اول مرکب از دو دسته پیاده و سواره نظام بودند که هر یک مرکب از هزار نفر می شدند و یک دسته دیگر سواره مرکب از ده هزار نفر بودند و هم چنین ده هزار پیاده دیگری وجود داشتند که به نام «جاویدانان» معروف بودند. این نام از این رو بر آن ها نهاده می شد که هیچ گاه از تعداد آن ها کاسته نمی شد، حتی اگر یکی از آنان می مرد یا مریض می شد، شخص دیگری جای او را می گرفت تا تعداد ده هزار نفر همیشه کامل باشد. جاویدان ها را گارد سلطنتی می دانستند که تحت فرمان مستقیم هزار پت قرار داشتند. دسته ساخلوها از قشون دائمی بودند که اداره شهرهای مرزی و قلاع، شهرهای حاکم نشین و نیز قلاع داخلی بر عهده آنان بود.

پائین ترین دسته نظامیان، مزدوران بودند که به عنوان سربازان صرف شناخته می شدند و در همه حال در حال خدمت گذاری بودند و در قلعه «الفانستین» مستقر بودند. هم چنین دسته دیگر از «مزدوران» وجود داشتند که به عنوان سرباز در هنگام جنگ انتخاب می شدند و بیش تر آنان از نیروهای بیگانه و خارجی و معمولاً یونانی بودند.

دسته قشون غیر دائمی شامل افرادی می شد که تنها در هنگام جنگ در لباس سرباز به جنگ اعزام می شدند. این افراد معمولاً به طور اجبار در صورت نیاز به جنگ و یا به



طور داوطلبانه در خدمت نظام در می آمدند. تشکیلات این قشون شامل دو اداره نظامی می شد؛ یکی اداره اسلحه و مهمات قشون و دیگری اداره نظارت لشکری. راجع به نیروی دریایی هخامنشی باید گفت که نشانه های چندی در تاریخ نیامده است و به نظر می رسد ایرانیان در تشکیلات دریایی چندان قدرتمند نبوده اند. پلیس در دوره هخامنشیان به دو گروه سواره و پیاده نظام تقسیم می شد. افراد سواره نظام از طبقه اشراف و افراد پیاده نظام از دهقانان و طبقه متوسط و پایین جامعه بودند. آنان دارای ترتیب ویژه ای بودند. در راس همه گروه ها « سپاه جاویدان » قرار داشت که از ده هزار نفر از افراد زبده تشکیل می شد و همواره آماده اجرای فرمان و به منزله گارد سلطنتی بود. این سپاه از پارس ها تشکیل شده بود و محافظت شبانه روزی شاهنشاه را بر عهده داشتند. پس از آن، سپاه به گروه های صد نفره و هزار نفره تقسیم می شد که در رأس هر یک فرماندهی با درجات پائین تر یا بالاتر قرار داشت. فرماندهی کل سپاه که شخص شاه بود، معمولاً در جنگ ها شرکت می کرد و در قلب سپاه جای می گرفت، سپاه به دو دسته متمایز سبک اسلحه و سنگین اسلحه تقسیم می شد. سواران سنگین اسلحه، زره، ران بند و کلاهخود داشتند و سر و سینه اسبانشان با ورقه های فلزی پوشیده می شد و سلاح شان را سپر، نیزه های کوتاه و بلند و خنجر تشکیل می داد. سواران سبک اسلحه سپر و نیزه داشتند و هم چنین فیل سواران و ارابه رانان و یک گروه خاصی را تشکیل می دادند.

فرمانده هان سپاه از میان طبقه اشراف و به وسیله شاهنشاه برگزیده می شدند. این گروه دارای امتیازات، ثروت و شوکت بسیار و اغلب صاحبان املاک بزرگی بودند که چون قلعه هایی دست نیافتنی بود و در آن ها مدافعان و محافظان قرار داشتند که از میان دهقانان یا بردگان برگزیده می شدند. ساتراپ ها، سپاه جداگانه یی تحت فرمان داشتند؛ اما برای تخفیف نیروی آنان، فرماندهی با اختیارات کامل به ساتراپی فرستاده می شد تا با مرکز در ارتباط باشد. در زیر فرمان این فرماندهان کل، صاحب منصبان دیگری به کار اشتغال داشتند که از افراد طبقه دوم جامعه بودند.

(بیانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱)

داریوش یک شبکه اطلاعاتی و نظارتی مهم و وسیع ایجاد کرد که کارگزاران آن «چشم و گوش» شاهنشاه خوانده می شدند. آنان بازرسانی بودند که بر کارهای ایالات و دوایر گوناگون اداری و سپاهی نظارت می کردند و گزارش آنان را به طور مستقیم به شاه می دادند. این افراد از میان شخصیت های معتبر و مورد اطمینان و آزمایش شده برگزیده می شدند تا اطلاعات ناروا و اشتباه را در اختیار وی قرار ندهند، زیرگاه اتفاق می افتاد که گزارش نادرست آنان به قتل ساتراپ یا دیوان سالاری منجر شود. (بیانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳)

وظیفه دیگر مربوط به نیروی سپاه می شده است که به همراه مغان، مامور اجرای قربانی های خود برای خدا بودند. (گیرشمن، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳). از سویی شاه یک فرمانده سپاهی و یک مسئول مالی و اداری را از مرکز به هر ساتراپ گسیل می داشت نمایندگان مالی از سویی مسئول مستقیم در برابر شاهنشاه و از سویی دیگر مراقب اعمال یکدیگر بودند. (بیانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶)

نمونه دیگر در رابطه با وظیفه پلیس، نقش آنان در ارتباط با تعقیب و دستگیری سربازانی است که از جنگ فرار می کردند و به اردوی دشمن می گریختند. اینان به جرم فرار نظامی دستگیر و به مجازات که معمولاً اعدام بوده محکوم می شدند. (علی آبادی، ۱۳۴۰، ص ۷۳)

### ج. پلیس در دوره اشکانیان

پس از آن که امپراطوری عظیم هخامنشی رو به ضعف نهاد، اسکندر، فرزند فیلیپ، پادشاه مقدونیه به مرزهای ایران حمله کرد و شهرهای شوش و پرسپولیس را تسخیر نمود. پس از مرگ اسکندر، سرزمین های وسیعی را که او فتح نموده بود، میان جانشین های وی تقسیم شد و چون اسکندر صاحب فرزندی نبود، سرداران او قلمرو متصرفاتش را به سه قسمت: یونانی نشین، مصری نشین و ایرانی نشین تقسیم کردند. ایران سهم یکی از سرداران اسکندر به نام «سلوکس» شد. سلوکس و جانشین های وی در ایران سلسله «سلوکی» را بنیان نهادند. با گذشت هشتاد سال از حمله اسکندر به ایران، با اختلافات و درگیری هایی که میان سلوکیان رخ داد، «ارشک» که از پارت ها

بود از فرصت استفاده نمود و با شکست دادن سلوکیان، سلسله اشکانیان را در سال های ۲۶۱ تا ۲۴۶ میلادی تحت عنوان دولتی مستقل پایه گذاری کرد. (رئیزی، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۱۶)

### ۱. ساختار پلیس در دوره اشکانیان

در دوره پارت همواره قشون مخصوص پادشاه و قشون شهرداریان محلی اهمیت بیشتر داشته است. قشون پادشاه به سه دسته «گارد سلطنتی - سربازانی که محافظ ویژه پادشاه بودند - «هم هرز» - جان سپاران- و «قشون عادی» بودند. قشون شهرداریان محلی به لحاظ موقعیت جغرافیایی، عامل انسانی، قدرت اقتصادی و همچنین موقعیت سیاسی پدید آمده بود. منصب های نظامی و سازمان فرماندهی در قشون پارت بر عهده فرمانده ای به نام «ارگبد» بود که به منزله بزرگ ترین عنوان نظامی تلقی می شد. فرماندهی عالی قشون هر خطه شهرداری، با شهرداری همان خطه بوده است و دیگر آن که هر نجیب زاده، فرمانده عالی قشون حاصل از اقطاع خود بوده است. وجود این، هر از گاهی در صورت بروز جنگ، شاه خود در جنگ حاضر می شد. فرماندهی عالی قشون نیز بر عهده شخص شاه بود. (علی آبادی، ۱۳۴۰، صص ۱۲۹-۱۲۸)

بابک شغل عالی نظامی «ارگبد» در شهر دارابگرد را به یکی از پسران کوچک خود به نام اردشیر داد که به معنای «فرمانده ارگ (قصر) بوده و بعدها بر یک خدمت مهم نظامی اطلاق می شده است. به همین منظور می توان استنباط کرد در تمام حوزه های ملوک الطوایفی دوره پارت منصب مهم نظامی ارگبد وجود داشته است. (کریستن سن، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸)

ناگفته نماند که با توجه به وضع نظامی پارت که: ۱. فرماندهی عالی قشون هر خطه شهرداری با شهرداری همان خطه بوده است؛ ۲. هر نجیب زاده فرمانده عالی قشون حاصل از اقطاع خود بوده است؛ ۳. در صورت شرکت شاهنشاه در جنگ، فرماندهی عالی قشون با شاهنشاه بوده است. (علی آبادی، ۱۳۴۰، ص ۱۲۹)

### ۲-۱. گونه های پلیس در دوره اشکانیان قشون شاهنشاه

این قشون شامل افراد ویژه ای بود که به عنوان «گارد سلطنتی» شناخته می شدند: و در هنگام سفر شمار زیادی سرباز پیاده و مسلح به تبرزین و جانداران به همراه شاه بودند. این قشون را می توان در شمار «جاویدانان» هخامنشی پنداشت. گارد سلطنتی خود به دو قسمت تقسیم می شدند؛ یک دسته عادی گارد که مرکب از سربازان پیاده مسلح به تبرزین بوده است و دیگری دسته خاص جانداران که محافظین مخصوص پادشاه به حساب می آمدند.

### ۲-۲. هم هرزان

دسته دیگری از قشون در این دوره بوده که به قشون «جان - سپاران» یا «جیان اوسپار» معروف بوده اند. این قشون شامل سربازانی بود که به شجاعت و دلیری شهرت داشتند و در برابر مرگ بی اعتنایی و بی باکی از خود نشان می دادند. وجه تسمیه نام این دسته نیز به همین دلیل بوده است.

### ۲-۳. قشون عادی

دسته سوم نیروی نظامی قشون عادی بودند که شامل سواره و پیاده نظام می شدند. سواران دارای برگستوان بودند و اسب هاشان نیز برگستوان داشت. گروه دیگری از سواران موسوم به سواران عادی بودند که همگی از طبقه «نجبا» انتخاب می شدند و شامل افرادی بود که از کودکی تحت آموزش های نظامی قرار می گرفتند. سلاح آنان نیز کمان بوده است.

قشون پیاده از ضعیف ترین و کم اهمیت ترین قسمت قشون اشکانی به شمار می آمدند. (علی آبادی، ۱۳۴۰، ص ۱۲۷). این دسته نقش فرعی داشته و افراد آنان از افراد کوهستانیان یا بردگان انتخاب می شدند.

### ۲-۴. قشون شهریاران محلی

این قشون از حیث تشکیلات نظامی شبیه به قشون شاهنشاهی بودند. ترکیب قشون آنان در واقع بازتابی از وضع اجتماعی کشور بود. هر ایالت بزرگ قشون حقیقی خاص خود بود و در هنگام جنگ با نیروهای خود و مردان آزاد و بردگان خود شرکت می کرد.

این قشون مجهز به سلاح آهنین، دارای نیزه و شمشیر بودند و سوار بر شتر می شدند. (گریشمن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷)

#### د. پلیس در دوره ساسانیان

با تاج گذاری اردشیر بابکان حکومت ساسانیان رسماً آغاز به کار کرد. اردشیر در مراسم تاج گذاری خود قاطعانه ابراز کرد. «خاطر آسوده دارید که قوی و ضعیف با دنی و شریف، همگان را از عدالت بهره مند خواهیم داشت و عدالت را رسمی پسندیده و آیینی متبع خواهیم کرد. (امین، ۱۳۸۱، ص ۲۴). سخنان اردشیر بابکان در آغاز سلطنت بیان گر بر قراری نظم و امنیت و عدالت بوده که لازمه آن ایجاد سازمانی نظامی و پلیسی قوی و قدرتمند می باشد. در دوره ساسانی به جهت تجربه های کلان در دوره های پیشین، سازمان نظامی دقیق تر و با وظایف تازه تری به انجام وظیفه می پرداختند؛ به همین رو ارتش ساسانی که قدرت فرماندهی و مهارت جنگی اردشیر بابکان و شاپور اول آن را از همان ابتدا و ورزیده بار آورده بود. (زرین کوب، ۱۳۷۹، ص ۸۵)

#### ۱. ساختار پلیس در دوره ساسانیان

تشکیلات قشون و فرماندهی در دوره ساسانی در دست یک فرمانده کل قرار داشت. این شغل موروثی به حساب می آمد و همواره به عهده یکی از افراد خاندان شاهی تفویض می شد و صاحب منصبان عالی رتبه زیر فرمان او به انجام وظیفه مشغول بودند؛ که یکی مامور تنظیم امور قشون و دیگری فرمانده سواره نظام بود.

در دوره ساسانیان همواره از گروهی موسوم به ارتشتاران یا همان جنگیان نام برده شده که تحت عنوان «ایران سپاهید» بوده اند. خسرو اول به منظور ممانعت از تمرکز قوای نظامی در دست یک ایران سپاهید، منصب ایران سپاهید را ملغی اعلام کرد و چهار سپاهید بر تمام کشور گماشت. (گریشمن، ۱۳۸۰، ص ۳۷۸)

اهمیت ارتش ساسانی بیش تر مربوط به تحرک و مهارت سواره نظام آن بود که «اسواران» خوانده می شوند. اعضای سواره نظام از میان نجبا و آزادان انتخاب می شدند و غالباً انضباطی دقیق داشتند اما پیادگان که بیش ترشان از روستاییان بودند، نه اسلحه کاملی داشته و نه نظم و انضباطی در میان آنها بود. (زرین کوب، ۱۳۷۹، ص ۸۵). در

نامه تنسر از چهار گروه یا اعضاء نام برده شده که عضو دوم مقاتل نام دارد: به این افراد مردان کارزار می گفتند که خود بر دو دسته بودند. یکی سواره نظام و دیگری پیاده نظام. (نامه تنسر، ص ۵۷)

## ۲. وظایف و گونه های پلیس

در امپراطوری ساسانیان، پلیس نیرویی منظم و تاثیر گذار بود. در تمام اماکن مهم یک پایگاه انتظامی تحت نظر یک افسر با صلاحیت وجود داشت. در شهرها هر محله ای تحت نظارت پلیس به نام «کویبان» قرار داشت، او مسئول رفتار خوب بود. در واقع وظیفه پلیس در آغاز پیشگیری از جرم بوده است. نقش پلیس را در مراحل گوناگون می توان به اشکال متفاوت مشاهده کرد.

### ۱-۲. تحقیقات پلیسی

یکی از اصلی ترین نقش پلیس کشف جرم بوده است. پلیس مسئول نظم شهر بود و هر گاه در هر کجا جرمی رخ می داد به ردیابی و بررسی مجرم و اوضاع و احوال ناظر به جرم می پرداخت. به همین دلیل به مراحل و شیوه محاکم آشنایی کامل داشته و باید به گونه ای عمل می کرد تا نتیجه تحقیقات و اطلاعات خود را به دادگاه می رساند، بدین صورت که تحقیقات خود را باید بر اساس صحت اطلاعات مربوط جهت اثبات گناه کاری مرتکب در اختیار دادگاه قرار می داد.

### ۲-۲. دستگیری بزه کاران

از وظایف دیگر پلیس در این دوره، دستگیری مجرم بوده است. پس از دستگیری باید احکام و قرارهای محکمه را به اجرا می گذاشت و هم چنین باید به اثبات دعاوی جزایی و شناخت هویت بزه کاران می پرداخت. نقش پلیس در این گونه موارد به شکلی بوده است که در ابتدا باید در حین دستگیری مجرم دلایل کافی و قانع کننده برای دادگاه جمع آوری می کرد، در غیر این صورت دستگیری مجرم از نظر دادگاه مردود شمرده می شد.

از سوی دیگر، درمورد مسائل دیگر، حاضر کردن متهم در دادگاه به صورت جلب یا توقیف توسط «کوی پان» (پلیس) صورت می گرفته و پلیس پس از حصول تعیین و اطمینان کامل نسبت به مدت نام و مشخصات شخص او ار جلب یا توقیف می کرد.

### ۳-۲. پلیس ضابط

پلیس در دوره ساسانی در بخشی از مسائل قضایی به عنوان ضابط حضور داشت. اشاره هایی که در این رابطه آمده مربوط به دعاوی مالی می باشد که در آن پیش از اقامه دعوی باید به عنوان یادآوری برای متهم اخطاریه فرستاده شود. این اخطاریه معمولاً یک اخطار سه روزه بود و هر گاه توافق طرفین بر پرداخت نزد قاضی بوده اخطار یک روزه صادر می شد. این مسأله نشان می دهد که پلیس به قانون و مراحل رسیدگی به دعاوی در دادگاه ها آشنایی داشته و نیز در مراحل رسیدگی دادگاه از جمله در تعقیب پرونده ها و پیش برد این مراحل موظف بود دستورات دادگاه را به سرعت اجرا کند.

### نتیجه گیری

در مقاله حاضر با استنباط به یافته های باستان شناسی و منابع تاریخی در رابطه با پلیس می توان دریافت که در تمام دوره های امپراطوری ایرانی از مادها تا ساسانیان همواره دو نیروی ثابت و کار آمد وجود داشته که به عنوان نیروی پیاده و سواره نظام شناخته می شدند. این نیروها در آغاز برای مقابله با حملات داخلی و خارجی تشکیل شده بودند و هر یک با نوع پوشش و سلاح های خاص خود شناخته می شدند. از سوی دیگر در طی تحولات تاریخی در دوره های دیگر نقش و عملکرد پلیس شکلی منظم تر و کامل پیدا کرد به گونه ای که وظایف آنان بر اساس آموزش های خاص بوده است؛ به ویژه در دوره های متکامل تر وظایف پلیس به نقش های تازه تری نزدیک شده است. وجود ماموران شاهنشاهی در نواحی شهرها در ابتدا برای پیشگیری از ارتکاب جرم بوده است، کشف جرم، تعقیب مجرم، دستگیری و سپس آشنایی پلیس به مراحل رسیدگی دادگاه به عنوان ضابط در تمامی امپراطوری های ایران باستان مشاهده می شود، نقش ها و وظایفی که در عصر مدرن نیز بدان ها توجه اساسی شده است. از این رو آن چه پیداست توجه به ایجاد نظم و امنیت و برقراری عدالت، در امپراطوری های ایرانی است که در جهت برقراری نظم اجتماعی صورت می گرفته و اهمیت تشکیلات پلیسی را در ایران باستان به وجود آورده است.



## منابع

۱. امین، سید حسن (۱۳۸۱)، دادرسی و نظام قضایی در ایران، چاپ نخست، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
۲. بیانی، شیرین (۱۳۸۱)، تاریخ ایران باستان (۲)، چاپ نخست، انتشارات سمت، تهران.
۳. بویس، مری (۱۳۷۵)، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ نخست، انتشارات توس، تهران.
۴. دیاکونوف، ام (۱۳۸۰)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ نخست، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۵. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی، چاپ نخست، نشر علمی، تهران.
۶. رئیسی، محمد صادق (۱۳۸۵)، حقوق در ایران باستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۷. نظام حقوقی ایران در دوره اشکانیان، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۶ و ۱۷، سال دوم، خوزستان.
۸. (۱۳۸۷)، حقوق در ایران باستان، مجله تعالی حقوق، شماره ۲۱ و ۲۲، سال سوم، خوزستان.
۹. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، تاریخ ایران باستان (۴)، چاپ نخست، انتشارات سمت، تهران.
۱۰. سن، کریستن (۱۳۸۳)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ نخست، نگارستان کتاب، تهران.
۱۱. شارپ، رلف نارمن (۱۳۸۱)، فرمان های شاهنشاهان هخامنشی، چاپ نخست، انتشارات پازینه، تهران.
۱۲. علی آبادی، محمدحسین (۱۳۴۰)، تاریخ حقوق ایران، جزوه دانشکده حقوق، تهران.
۱۳. کرمی، محمد باقر (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظام کیفری ایران باستان، چاپ نخست، انتشارات خط سوم، تهران.

۱۴. گیرشمن، ر (۱۳۸۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ سیزدهم، انتشارات علمی - فرهنگی، تهران.

۱۵. مینوی، مجتبی (۱۳۵۱)، نامه تنسر تصحیح، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.

۱۶. واحدی نوایی، آوا (۱۳۸۰)، نظام جزایی ایران در عصر ساسانیان، چاپ نخست، نشر میزان، تهران.

17. *Mātikān – e – Hazār Dātastan, the Digest of a thousand points of Law, Translated by Sohvaḅ Jamshed jec Bulsava, Bambay, 1937.*

18 . *The law of the Ancient persians, sohrab Jamshed jec Bulsara, Bambay, 1937.*